

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم بہ :

پدر و مادر عزیز و ارجمندم

خانوادہ محترم و مہربان ہمسرم

و عزیزانم : ہمسرم ، محمد علی ولیلا



دانشگاه تبریز

۱۳۸۲ / ۵ / ۳ -

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه تاریخ

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز

عنوان :

تعلیل میزان توجه و عدم توجه جامعه صفوی به

نوگرایی (مدرنیسم)

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر یوسف رمیم‌لو

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر سیروس برادران شکوهی

پژوهشگر :

محمد رضا طبی

شماره :

ماه و سال : بهمن ۱۳۸۱

۴۷۸۴۶

سپاسگزاری

پژوهش حاضر را مدیون لطف استاد فرزانه و اندیشمند جناب آقای دکتر رحیم لو هستم. ایشان با پذیرفتن راهنمایی رساله، مرا رهین منت خود نمودند و با صبر و حوصله از آغاز تا انتهای کار از هیچ گونه مساعدت و راهنمایی دریغ نورزیدند. در این مدت از تذکرات و نقطه نظرهای عالمانه ایشان بسیار استفاده نمودم، چنانکه در طول دوران تحصیل نیز از علم، دانائی و اخلاق نیک ایشان بهره های فراوان برده ام. از خداوند برای ایشان سلامتی و توفیق روز افزون خواستارم.

جناب آقای دکتر برادران شکوهی استاد مشاور، با لطف و حسن نظر رساله را مطالعه و نکات ارزنده ای را متذکر شدند.

استاد داور، جناب آقای دکتر کلانتری رساله را با دقت مطالعه و نکات مهم و مفیدی را تذکر دادند.

از کلیه اساتید محترم گروه تاریخ که سال ها در محضرشان تلمذ کرده ام، سپاسگزارم. از کارکنان محترم کتابخانه مرکزی دانشگاه و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی که در تهیه کتب و مآخذ رساله با صمیمیت همکاری و مساعدت نمودند، تشکر می کنم. همسرم با صبوری و مهربانی ساعات بسیاری را صرف همراهی و همفکری با من کرد، بی تردید درایت و مدیریت او باعث آرامش فرزندانمان بود که با محبت و گذشت اوقاتی را که باید صرف آنان می شد به من اختصاص دادند؛ بواقع همگی در به سرانجام رسیدن این پژوهش سهیم هستند. بهترین آرزوهای قلبی خود را تقدیم ایشان می کنم.

نام خانوادگی دانشجو: طبّی	نام: محمدرضا
عنوان پایان نامه:	
تعلیل میزان توجه و عدم توجه جامعه صفوی به نوگرایی (مدرنیسم)	
استاد راهنما: دکتر یوسف رحیم‌لو	
استاد مشاور: دکتر سیروس برادران شکوهی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: تاریخ گرایش: ایران دوره اسلامی دانشگاه: تبریز	
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ۱۳۸۱ تعداد صفحه: ۱۴۱	
کلید واژه‌ها: جامعه صفوی - ایران - اروپا - نوگرایی - مدرنیته (مدرنیسم) - رنسانس - سنت - استبداد - رفرماسیون - پروتستان - پروتستانیزم - دستاوردهای صنعتی و علمی اروپا.	
چکیده:	
<p>تحولات مؤثر و بنیانی که از سده چهاردهم در غرب به وجود آمده بود؛ منجر به تجدید (مدرنیته) آن دیار گردید. با تغییر جهان بینی و رشد بینش اومانیستی، نگرش اروپائیان نسبت به جهان و انسان تغییر کرد. آئین و مذهب جدیدی (پروتستان) که ظهور کرد با نگرش نوین متناسب بود. با ایجاد فلسفه سیاسی و عقلانیت جدید (نقاد) دولت مدرن شکل گرفت و در پی آن ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپا متحول گشت و سرگذشتی یافت که نتیجه آن، ثروت و قدرت بود. علاقه فرنگیان به تجارت و یافتن متحدی در برابر دولت عثمانی و نیاز ایران عصر صفوی به ادوات جنگی و سلاحهای جدید، به رفت و آمد اروپائیان به ایران و آشنایی محدود ایرانیان با صنایع و ابزار فنی و علمی و در عین حال مصرفی و تجملی فرنگیان منتهی گردید. اما به گواهی تاریخ گام بعدی در این راه هرگز برداشته نشد.</p> <p>حاکمیت سنتی و استبدادی صفویه در بی‌اعتنایی به مظاهر جدید فرنگیان نقش اصلی را ایفا نمود.</p>	

ادامه چکیده :

جامعه صفوی که دچار استبداد مطلقه بود به هر اندیشه و نگاه نوی با نگرانی و سوء ظن می‌نگریست. وحشت از افکار فلسفی و اندیشه‌های نو، احساس بی‌نیازی و استغنا نسبت به فرنگیان غیر مسلمان و دستاوردهای آنان و بی‌علاقگی به سیاحت و کسب تجربه از عوامل و موانع نوگرایی در آن عصر بودند.

بی‌توجهی به آموزش زبان‌های اروپایی (به عنوان عنصر مهم ارتباطی)، درونگرایی ایرانیان و لاقیدی حاکمیت سیاسی و دینی به بهره‌برداری از دانش و کارشناسی اروپائیان و سخت‌گیری نسبت به نخبگان داخلی که منجر به مهاجرت بسیاری از اهل فن و صنعت و هنر و اندیشه به سرزمین‌های همسایه (به ویژه هند) شد و بی‌اعتنایی دولت عثمانی (به عنوان سدی میان ایران و اروپا) به توسعه و پیشرفت اروپائیان را، می‌توان در زمره عواملی به حساب آورد که در عقب ماندگی ایرانیان از جریان مدرن سازی اروپا دخیل بودند.

آشنایی ایرانیان (حاکمیت و نخبگان) با ابزارهای علمی و صنعتی فرنگیان نیز بسیار سطحی و ناقص بود. ایرانیان علاقه چندانی به ساخت و تولید ابزار مکانیکی و صنعتی آنان از خود نشان ندادند. در نتیجه‌ی استبداد و جمودگرایی حاکم بر جامعه صفوی و حضور دینی دولتی و شکل‌گرا که طالب مردمی متعبدو مقلد بود و از سوئی بی‌توجهی به ابتکار و نواندیشی، وجود ناامنی‌های سیاسی و اقتصادی، عدم انگیزه کافی برای دستیابی به فرآورده‌های علمی و صنعتی اروپائیان، همگی دست به دست هم داده در دور نگهداشتن حکومت و جامعه صفوی از نوگرایی و توجه به تحولات اجتماعی - سیاسی و علمی آنان موثر افتادند.

فهرست مطالب

عنوان: تعلیل میزان توجه و عدم توجه جامعه صفوی به نوگرایی (مدرنیسم) صفحه

مقدمه ۱

بررسی منابع ۴

بخش یکم: نوگرایی چیست؟

فصل اول - نوگرایی، مبانی و محورهای آن ۱۲

فصل دوم - اروپا و رنسانس

الف - اومانیزم و اومانیزت‌ها ۱۶

ب - زمینه‌های فکری و اجتماعی رنسانس ۲۱

فصل سوم - رفرماسیون ۲۸

فصل چهارم - اروپا در مسیر نوگرایی ۳۷

بخش دوم: ساختار سیاسی، اقتصادی، فکری و دینی جامعه صفوی

فصل اول - ساختار سیاسی جامعه و حکومت صفوی ۴۶

فصل دوم - ساختار اقتصادی جامعه صفوی ۵۴

فصل سوم - ساختار دینی جامعه صفوی

الف - پیشینه تاریخی ۶۸

ب - حاکمیت و تشیع رسمی ۷۲

فصل چهارم - ساختار فکری جامعه صفوی ۹۴

بخش سوم : روابط ایران صفوی با اروپا (منبع پدیده‌های نو)

فصل اول - ایران در مسیر آشنایی با اروپا	۱۰۰
الف - روابط سیاسی	۱۰۰
ب - روابط اقتصادی	۱۰۲
ج - روابط فرهنگی و اعتقادی	۱۰۵
فصل دوم - حدود آگاهی ایرانیان عصر صفوی از اروپا	۱۰۸
بخش چهارم - تعلیل میزان توجه و عدم توجه جامعه صفوی به نوگرایی	۱۱۴
نتیجه	۱۲۸
کتابنامه	۱۳۰
نمایه عام	۱۴۲

مقدمه :

اگر چه نوگرایی در غرب شکل گرفت اما برخی پژوهشگران آنرا پدیده‌ای مختص غرب نمی‌دانند؛ بلکه طرحی جهان‌گراینده می‌شناسند. بی‌گمان امروزه مسئله تجدد (مدرنیسم) از مهم‌ترین مباحث روزگار ماست. رویکرد جوامع از سنت به مدرنیته و پیامدهای ناشی از آن عمده‌ترین دغدغه‌های فکری جوامع در حال گذار محسوب می‌شود.

«بنابر نظر متخصصان تاریخ ایران، نخستین برخوردهای منظم اما محدود ایران و غرب به عصر صفویان می‌رسد. اما تا نیمه‌ی قرن نوزدهم هیچ کوششی برای غربی‌سازی مشاهده نمی‌شود، یعنی هیچ برنامه‌ی خاصی برای اقتباس یا تقلید از آداب، اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی و نیز تفکر فلسفی غرب در ایران وجود ندارد.» (رامین جهان‌نگلو، *ایران و مدرنیته*، «مقدمه»، تهران، نشر گفتار، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۹-۲۳).

با مشاهده نشانه‌ها و علائمی از عناصر مدرن در جامعه صفوی (وجود شهرهای بزرگ، روابط اقتصادی گسترده و حضور اروپائیان و ۰۰۰) این سؤال طرح شد که آیا با شناخت زمینه‌های تحول در جامعه اروپایی، می‌توان معادلی برای آن عوامل در عصر صفوی یافت و به تعلیل میزان توجه و عدم توجه جامعه‌ی صفوی به نوگرایی پرداخت؟

مطالعه حاضر را تنها باید گامی دانست در جهت بررسی تطبیقی بسترهای مدرنیته‌ی اروپا و کنکاش در شرایط تاریخی، اجتماعی جامعه ایران عصر صفوی.

با چنین دیدگاهی رساله در چهار بخش تنظیم گردید:

بخش یکم: شامل چهار فصل است و مسائل کلی نوگرایی از جمله مبانی نوگرایی، زمینه‌های فکری و اجتماعی رنسانس و بسترهای تاریخی نوگرایی اروپا را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

بخش دوم: در چهار فصل، تلاشی است برای تبیین ساختار جامعه صفوی بر مبنای ساخت سیاسی، اقتصادی، فکری و دینی.

بخش سوم: نگاهی به مناسبات سیاسی، بازرگانی، فرهنگی و عقیدتی ایران با اروپا و دیدگاه ایرانیان عصر صفوی نسبت به فرنگ و فرنگیان را در بر می‌گیرد.

بخش چهارم: بر اساس داده‌های تاریخی و مبانی فکری و عوامل سیاسی و اقتصادی، کوششی است در جهت تعلیل میزان گرایش یا عدم گرایش به عناصر نوگرایی از سوی جامعه‌ی عصر صفوی. تالیف و تدوین پژوهش حاضر با دشواری‌هایی نیز همراه بوده است، مانند:

۱- فقدان پژوهش و پیشینه‌ای در محدوده‌ی موضوع رساله به عنوان الگویی برای مطالعه و تنظیم فهرست، که از اساسی‌ترین مراحل کار محسوب می‌شود، شروع کار و ادامه آنرا با مشکل مواجه می‌ساخت.

۲- تاریخ‌نگاری عصر صفوی، از بن به مسائل اجتماعی بی‌اعتنا بوده است. مآخذ ایرانی آن عصر به واقع تاریخ سیاسی نظامی به شمار می‌روند و اگر برخی منابع هم اشاراتی به مسائل اجتماعی و یا احياناً تمایلات ایرانیان به نوگرایی داشته‌اند چنان اندک و محدود است که به زحمت می‌توان از یک کتاب پر حجم، سطری را انتخاب کرد.

۳- در ارتباط با موضوع مورد بررسی کمبود منابع (به زبان فارسی) چشمگیر است. در این مورد بهترین منابع (اصلی) سفرنامه‌های اروپائیان می‌باشند. نگرش قوی اجتماعی و ارتباط سیاحان با درباریان و مردم باعث شده تا آثار بجا مانده از آنان از عمده مآخذ قابل مراجعه در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی باشند. با وجود این، اعتبار سفرنامه‌ها از نظر تأمل در باب مسائل اجتماعی را نمی‌توان در یک سطح ارزیابی کرد.

۴- در باب مآخذ تحقیقی باید گفت، مؤلفان و پژوهندگان انگشت شماری از زاویه نوگرایی و مدرنیسم به جستجو و تفحص در جامعه‌ی ایران عصر صفوی پرداخته‌اند.

توضیح این نکته ضروری است که برای ایجاد مقایسه و تطبیق وقایع و تحولات اروپا و ایران عصر صفوی تاریخهای میلادی و هجری قمری در کنار هم آمده‌اند. برای برابرسازی تاریخهای

هجری قمری و میلادی از کتاب ووستنفلد و ماہلر، «تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری

و میلادی» با ترجمه دکتر حکیم الدین قریشی استفاده شده است.

روش نوشتاری و نشانه گذاریها، بر مبنای کتاب «راهنمای نگارش و ویرایش» تألیف محمد جعفر

یا حقی و محمد مهدی ناصح، اعمال شده است.

بررسی منابع

الف - منابع داخلی:

- احسن التواریخ، حسن بیگ روملو

این اثر عظیم در دوازده مجلد بوده که امروزه تنها دو مجلد آخر آن باقی مانده است. در این رساله دوازدهمین و آخرین جلد این اثر بزرگ روملو مورد استفاده قرار گرفته که وقایع سال‌های (۹۰۰-۹۸۵ / ۱۴۹۴-۱۵۷۷) را در بر می‌گیرد. دوره‌ای بسیار پر اهمیت در تاریخ ایران که سال‌های آخر سلسله تیموریان (گورکانیان) و بایندریان و مقدمات و آغاز کار صفویان را شامل می‌شود. بعد از زمانی طولانی که کشور ایران مرکزی به خود ندیده بود، حکومتی مقتدر به دست صفویان به وجود آمد.

«اهمیت جلد دوازدهم به این است که اگر مندرجات مجلدات قبلی مطالب مأخوذه از کتب دیگر است، مطالب این جلد یا مشهودات نویسنده است یا مسموعات وی از افراد موثق».

این مجلد در سال ۱۳۵۷ خ به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی تصحیح و چاپ شد.

- تاریخ ادبیات در ایران (از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری)، ذبیح الله صفا.

شیوه ذبیح الله صفا در مجموعه ارزشمند تاریخ ادبیات در ایران چنان است که وی قبل از بررسی سبک ادبی و معرفی شعرا و نویسندگان، علما و دانشمندان هر دوره از تاریخ ایران ابتدا به ترسیم خلاصه‌ای از اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی آن عصر می‌پردازد.

دقت نظر، دانش گسترده و تسلط مولف بر منابع سبب شده تا کتاب وی مورد توجه عموم و خواص قرار گیرد.

مجلد مربوط به دوره صفویه (جلد ۵) مشحون از اطلاعات ارزشمند تاریخی آن عصر است که در کمتر مأخذی می‌توان یافت، از جمله: «... خوی‌گری‌های زیان‌آور، توان‌یابی فرهنگ تازی، مهاجرت علمای عرب تبار و نقش آنان در انقطاع از پیوندهای ملی، قشری‌گری، مذهبی و...»

- دین و سیاست در دوره صفوی، رسول جعفریان

مؤلف ابتدا دلایل نظری فقها را در توجیه وارد شدن به حکومت و همکاری با سلاطین جور (به تعبیر فقها) آورده و اینکه علما خود را قانع کردند که با سلاطین همکاری کنند. یکی از نمادهای حکومت شیعی بر پایی نماز جمعه است، که البته اختلافات دامنه‌داری را بین فقهای موافق و مخالف آن برانگیخت. در مورد جایز یا جایز نبودن اخذ خراج نیز (به عنوان اعلام اقتدار فقهای رسمی حکومت صفوی) اختلاف شدیدی بود. به نظر می‌رسد فقهای مبسوط الید موافق اخذ خراج بودند. جعفریان سپس به رویارویی تاریخی صوفیان و فقیهان پرداخته و از دیدگاه علمای منتقد از وضعیت دینی جامعه صفوی یاد می‌کند. در پایان با ذکر احکام و فرامینی از شاهان صفوی موضع دیندارانه آنها را نشان می‌دهد.

- روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، میر سید محمد باقر خوانساری اصفهانی

روضات الجنات در واقع جزو کتب تراجم محسوب می‌شود، که در باب زندگی علما و فقها و شخصیت‌های شیعه و سایر فرق مسلمان منبع بسیار ارزشمند و قابل توجهی است. تالیف این کتاب توسط سید محمد باقر خوانساری (متوفی ۱۳۱۳ هـ ق) در نیمه‌های قرن سیزدهم هجری آغاز و حدود سی سال به طول انجامید.

این کتاب، پژوهندگان را از مراجعه به بسیاری کتب دیگر که شاید دسترسی به برخی از آنها امروزه دیگر به آسانی میسر نباشد بی نیاز می‌کند. از ویژگی‌های روضات الجنات این است که مولف، مدارک مهم تالیف خود را ذکر کرده است.

توجه مؤلف به نقش و جایگاه علما و فقها و ارتباط آنان با حکومت و مردم، این کتاب را حاوی نکات ارزشمندی برای پژوهندگان عصر صفوی کرده است.

- سیاست و اقتصاد عصر صفوی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی

آنان که با سخن و قلم باستانی پاریزی آشنا نیستند می‌دانند که در کتاب‌های ایشان مطالب بسیاری یافت می‌شود که ظاهراً ارتباطی با اصل موضوع ندارد. اگر چه این کار با مبانی علمی تحقیق تاریخی مطابقت ندارد، اما همان طور که مرحوم زریاب خوبی در نقد و توصیف نویسنده گفته‌اند: «باستانی پاریزی تاریخ و فن نویسندگی را با هم تلفیق کرده و آنچه را به کار مردمان می‌آید به خوانندگان عرضه می‌کند» (صفحه سی‌ام و سی و یکم).

باستانی برای تایید نظر خود (مثلاً در عصر صفوی) بی توجه به دوران مورد نظر از عصر کوروش تا زمان ناصر الدین شاه شواهدی می‌آورد. با این همه روند کتاب یک سیر منطقی را طی می‌کند. وی با نشان دادن اجزای بحران در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی چگونگی سقوط صفویه را بازگو کرده و خاطر نشان می‌کند که با وجود عوامل بحران زاء، هر حکومتی و در هر زمانی به همان سرنوشتی دچار خواهد شد که صفویه شدند.

تمثیل وارد شدن زاینده رود به مرداب گاو خونی به خوبی نمایشگر عاقبت صفویه است و اینکه «... هیچ راهی برای رفع این تباهی‌ها و پلیدی نیست ... دورانی که هر کس در باتلاق فساد و بخل و تعیش و دزدی و رشوه خواری و آسایش طلبی و دروغ و ناپکاری فرو رفته است» (ص ۴۸۶).

- عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری

مؤلف کتاب شناخته نیست. اما زمان تألیف ظاهراً سال (۱۰۸۶ هـ.ق) بوده است «حال که مسوذه این دوران تالیف شده که سنه‌ی ست و ثمانین بعد الف (۱۰۸۶) است» (ص ۵۶۱).

آنچه از موضعگیری مولف بر می‌آید، وی شیعه‌ای متعصب و از ارداتمندان خاندان صفوی بود. عالم آرا به لحاظ استناد به مطالب تاریخی، شاید از ارزش چندانی برخوردار نباشد. اما به لحاظ لحن حماسی و اسطوره سازی از بزرگان صفوی به ویژه شاه اسماعیل که در واقع معرف نوع تبلیغات حکومت‌گران صفوی و همچنین نشانه نگرش عامه نسبت به مرشدان کامل صفوی است که می‌تواند قابل تأمل و با ارزش تلقی گردد.

لحن حماسی آن باعث شده که خشونت و جنایات اسماعیل را به گونه‌ای متفاوت جلوه دهد مثلاً کشتار مردم طبس به دستور اسماعیل در مقایسه با منابع دیگر چنان گزارش شده که گویا مردم شهر هیچ آسیبی ندیده‌اند (صص ۱۹۵-۱۹۶).

تعصب شیعیانه مولف (ص ۱۶۸) و غالیگری از گزارش وی مشهود است «... حضرت شاه سجده شکر کردند به جانب نجف اشرف...» (ص ۱۷۲).

وی برای اثبات حقانیت شاه صفوی متوسل به گزارش خواب‌هایی شده است که مخالفان شاه اسماعیل در «مؤید من عندالله بودن» اسماعیل دیده و متنبه شده‌اند (صص ۱۷۷-۱۷۸).

از عالم آرای صفوی می‌توان در شناخت روان‌شناسی اجتماعی آن روزگار و اینکه چگونه این خاندان در دل مردم جای گرفته‌اند و دینداری عوامانه در این پذیرش چه نقشی داشته، بهره برد.

ب- منابع و مأخذ خارجی:

- تشیع و تصوف ، کامل مصطفی شیبی

مولف، تشیع و تصوف را از دو وجه تاریخی و فکری از اوایل سده اول اسلامی تا قرن دوازدهم هجری هجدهم میلادی مورد بررسی قرار داده است. وی علاوه بر نمودن نقش تاریخی تصوف و تشیع در حکومت، به تاثیرات آنها بر جنبش‌های فکری و اجتماعی نیز پرداخته است. در این کتاب نتایج عملی ارتباط تصوف و تشیع ضمن جریان‌ات تاریخی بررسی شده است.

- سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، و. مینورسکی

این تالیف، توضیحات و تعلیقات مینورسکی بر کتاب تذکره الملوک میرزا سمیعا است که در اواخر سلطنت صفویه یا به عبارت صحیح‌تر در زمان سلطه افغان‌ها برای آشنایی آنان با نحوه اداره کشور تالیف گردید.

مینورسکی با مطالعه بسیار در مأخذ دوران مغول تا صفویه و بررسی سفرنامه‌های کمپفر، سانسون، دومان، اولتاریوس، شاردن و ... و مجموعه اسناد کشیشان کرملی و ... کتاب تذکره الملوک را شرح و بسط داده است.

وی مسائل اجتماعی عصر صفوی، مشاغل و مناصب اعم از درباری، نظامی و اداری و روحانیان و ... امور مالیه، انواع مالکیت بر زمین و مسائل متنوع دیگر را مورد مذاقه و بررسی قرار داده است.

- سفرنامه اولثاریوس، ادام اولثاریوس

اولثاریوس به عنوان منشی سفارت هلشتاین در عهد شاه صفی به ایران مسافرت کرد (۱۶۶۳-۱۶۶۸ / ۱۰۷۳-۱۰۷۹). آموختن زبان‌های ترکی و فارسی مسلماً در آگاهی وسیع‌تر و دقیق‌تر وی از اوضاع ایران مؤثر بوده است.

اولثاریوس به بازتاب مسائل اجتماعی ایران از قبیل ارتکاب مردم به اعمالی که در جامعه دینی آن عصر، خلاف شرع محسوب می‌شده اما در همه جا رواج داشته، پرداخته است؛ از شراب‌فروشی‌های قزوین گرفته تا میخانه‌های میدان شاه اصفهان و وجود زنان سوداگر و ...

وی در مورد اهمیت زیارت قبور ائمه و بزرگان به نکته‌ای اشاره دارد که ظاهراً در دیگر سفرنامه‌ها نیامده است. بعد از زیارت قبور ائمه (ع) و شیخ صفی به زوار گواهینامه‌ای (زیارت نامه) داده می‌شود که نشان می‌دهد آنان فریضه‌ی خود را انجام داده‌اند و در مواقع خشم شاه یا خوانین با ارائه آن زیارت نامه‌ها می‌توانند زندگی خویش را نجات دهند (ص ۲۳۲).

از این کتاب دو ترجمه به چاپ رسیده است. ترجمه حسین کرد بیچه در دو مجلد ۱۳۶۹ که ترجمه کامل کتاب سفرنامه اولثاریوس می‌باشد و دیگر ترجمه احمد بهپور در سال ۱۳۶۳ که تنها قسمت مربوط به ایران را به فارسی برگردانده است.

- سفرنامه تاورینه، ژان باتیست تاورینه

تاورینه سیاح فرانسوی در قرن هفدهم (۱۶۳۱-۱۶۶۸/۱۰۴۰-۱۰۷۹) به مشرق مسافرت کرد. وی که روحیه‌ای تاجر مآبانه داشت در طول چندین بار مسافرتش به ایران در هر نوبت مسیر متفاوتی را انتخاب می‌نمود تا راههای مناسب را شناسایی و تجربه کند.

بدین جهت وی بیشتر به موضوع شوارع، امنیت راههای ایران و توصیه‌های تجاری پرداخته است. از جمله تجارت پشم و کرک، پرورش شتر، مسکوکات ایران و ... (صص ۱۳۱-۱۳۵).